

شوالیه یا تک تیرانداز

نبرد درون سازمان‌ها و درون ما



در روزگاران قدیم، قلعه‌های بزرگ و استوار بر فراز تپه‌ها نماد قدرت و امنیت بودند. این قلعه‌ها نه تنها توسط دیوارهای بلند و خندق‌های عمیق محافظت می‌شدند، بلکه توسط دو گروه از جنگجویان نگهبانی می‌شدند: "شوالیه‌ها" و "تک تیراندازها".

شوالیه‌ها با شمشیرهای براق و زره‌های درخشان، نماد شجاعت، وفاداری و آمادگی برای تغییر و تحول بودند. آن‌ها همیشه آماده بودند تا برای بهبود شرایط و پیشبرد اهداف قلعه، خود را به خطر بیندازند.

از سوی دیگر، **تک تیراندازها**، در سایه‌ها پنهان می‌شدند، با تیرهای دقیق و مرگبار خود، هر تغییری را که به نظرشان تهدیدآمیز می‌رسید، از بین می‌بردند. آن‌ها مقاوم بودند، ترسو نبودند، اما تغییر را دشمن خود می‌دانستند.

این داستان قدیمی، امروز در سازمان‌های مدرن نیز تکرار می‌شود. هر سازمانی، قلعه‌ای است که در آن **شوالیه‌ها** و **تک تیراندازها** حضور دارند. **شوالیه‌ها** نماینده‌ی آن دسته از افراد هستند که پذیرای تغییرند، به دنبال بهبود و تحول هستند و با آغوش باز از ایده‌های جدید استقبال می‌کنند. در مقابل، **تک تیراندازها**، مقاوم‌ترین افراد در برابر تغییرند. آن‌ها با دقت و وسواس، هر ایده‌ی جدیدی را هدف می‌گیرند و سعی می‌کنند آن را از بین ببرند.

اما این نبرد تنها در سازمان‌ها اتفاق نمی‌افتد. در درون هر یک از ما نیز یک **شوالیه** و یک **تک تیرانداز** وجود دارد. **شوالیه‌ی** درون، مشتاق رشد و تحول است، در حالی که **تک تیرانداز** درون، ترس از تغییر و ناشناخته‌ها را نمایندگی می‌کند. اما این بار، نقش‌های جدیدی نیز به این داستان اضافه می‌شوند: **"تصمیم‌گیرنده"** و **"تصمیم‌ساز"**. این دو نقش، کلید موفقیت یا شکست تغییرات در سازمان‌ها هستند.



این مقاله به بررسی این نبرد درون سازمان‌ها و درون افراد می‌پردازد و راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند تا **بیزینس کوچ‌ها و مربیان سازمانی** بتوانند با شناسایی این شخصیت‌ها، مسیر تغییر را هموار کنند.

"فصل اول: شوالیه‌ها، قهرمانان تغییر"

شوالیه‌ها در سازمان‌ها، افرادی هستند که با اشتیاق و تعهد، به دنبال بهبود شرایط و ایجاد تحول هستند. آن‌ها با شجاعت، ایده‌های جدید را مطرح می‌کنند و برای اجرای آن‌ها تلاش می‌کنند. **شوالیه‌ها** به جای ترس از ناشناخته‌ها، به دنبال کشف فرصت‌های جدید هستند. آن‌ها باور دارند که تغییر، لازمه‌ی رشد و بقا است.

در داستان‌های قدیمی، **شوالیه‌ها** همیشه قهرمانانی بودند که برای نجات دیگران، خود را به خطر می‌انداختند. در سازمان‌ها نیز **شوالیه‌ها** نقش مشابهی دارند. آن‌ها با حمایت از تغییر، سازمان را به سمت موفقیت هدایت می‌کنند. اما **شوالیه‌ها** به تنهایی نمی‌توانند بر همه‌ی موانع غلبه کنند. آن‌ها نیاز به همراهی دارند، حتی اگر این همراهی از سوی کسانی باشد که در ابتدا مقاومت می‌کنند.

"فصل دوم: تک تیراندازها، نگهبانان سنتها"



تک تیراندازها، برخلاف **شوالیه‌ها**، در سایه‌ها عمل می‌کنند. آن‌ها با دقت و وسواس، هر تغییری را که به نظرشان تهدیدآمیز می‌رسد، هدف قرار می‌دهند. **تک تیراندازها** لزوماً افراد بدی نیستند، بلکه آن‌ها از تغییر می‌ترسند. آن‌ها باور دارند که سنت‌ها و روش‌های قدیمی، بهترین راه برای حفظ امنیت و ثبات هستند.

در سازمان‌ها، **تک تیراندازها** ممکن است مدیرانی باشند که از تغییرات جدید می‌ترسند، یا کارمندانی که نگران از دست دادن موقعیت خود هستند. آن‌ها با انتقاد از ایده‌های جدید، سعی می‌کنند تغییر را متوقف کنند. اما این مقاومت همیشه بد نیست. گاهی اوقات، **تک تیراندازها** با انتقادهای خود، به بهبود ایده‌ها کمک می‌کنند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که مقاومت آن‌ها مانع از هر گونه تحول می‌شود.

"نکته کاربردی": **تک تیراندازها** معمولاً در نقش‌های **تصمیم‌گیرنده** قرار دارند. آن‌ها با استفاده از قدرت خود، می‌توانند تغییرات را متوقف یا کند کنند. برای همراه کردن آن‌ها، باید ترس‌هایشان را درک و برطرف کرد.

"فصل سوم: نبرد درون، شوالیه و تک تیرانداز درون ما"

در هر سازمانی، **تصمیم‌گیرندگان** و **تصمیم‌سازان** نقش کلیدی در موفقیت یا شکست تغییرات دارند. **تصمیم‌سازان (شوالیه‌ها)** ایده‌ها را مطرح می‌کنند و برای اجرای آن‌ها تلاش می‌کنند. **تصمیم‌گیرندگان (تک تیراندازها)** با استفاده از قدرت خود، می‌توانند این ایده‌ها را تأیید یا رد کنند.

این نبرد تنها در سازمان‌ها اتفاق نمی‌افتد. در درون هر یک از ما نیز یک **شوالیه** و یک **تک تیرانداز** وجود دارد. **شوالیه‌ی** درون، مشتاق رشد و تحول است، در حالی که **تک تیرانداز** درون، ترس از تغییر و ناشناخته‌ها را نمایندگی می‌کند. این دو شخصیت، همواره در حال نبرد هستند. **شوالیه‌ی** درون به ما انگیزه می‌دهد تا به دنبال اهداف بزرگ برویم، در حالی که **تک تیرانداز** درون، ما را به احتیاط و حفظ وضعیت موجود تشویق می‌کند.

شناخت این دو شخصیت درون، اولین قدم برای مدیریت تغییر در زندگی شخصی و حرفه‌ای است. ما باید یاد بگیریم که به **شوالیه‌ی** درون خود اعتماد کنیم، اما در عین حال، به **تک تیرانداز** درون خود نیز گوش دهیم. شاید **تک تیرانداز** درون، با انتقادهای خود، به ما کمک کند تا ایده‌هایمان را بهبود بخشیم.

"فصل چهارم: نقش بیزینس کوچ در شناسایی و همراهی"

شوالیه‌ها و تک تیراندازها

بیزینس کوچ‌ها و مربیان سازمانی، نقش کلیدی در مدیریت این نبرد دارند. اولین قدم برای یک کوچ، شناسایی **شوالیه‌ها** و **تک تیراندازها** در سازمان است. **شوالیه‌ها** معمولاً افرادی هستند که با اشتیاق از تغییر استقبال می‌کنند و می‌توانند به عنوان حامیان تغییر عمل کنند. کوچ‌ها باید با این افراد ارتباط برقرار کنند و از آن‌ها برای پیشبرد اهداف تغییر استفاده کنند.

در یک شرکت فناوری اطلاعات، تیم توسعه (**تصمیم‌سازان**) پیشنهاد دادند که سیستم قدیمی نرم‌افزار را به یک پلتفرم جدید منتقل کنند. اما مدیرعامل (**تصمیم‌گیرنده**) به دلیل ترس از ریسک‌های مالی، با این تغییر مخالفت کرد. اینجا بود که یک بیزینس کوچ وارد عمل شد.

"تجربه واقعی:" بیزینس کوچ با مدیرعامل جلسه‌ای ترتیب داد و با ارائه داده‌های دقیق، نشان داد که این تغییر نه تنها ریسک مالی ندارد، بلکه در بلندمدت سودآوری سازمان را افزایش می‌دهد. مدیرعامل که ابتدا یک **تک تیرانداز** بود، به تدریج به یک **شوالیه** تبدیل شد و از تغییر حمایت کرد.

از سوی دیگر، **تک تیراندازها** نیاز به توجه ویژه دارند. کوچ‌ها باید به جای مقابله مستقیم با آن‌ها، سعی کنند علت مقاومت آن‌ها را درک کنند. آیا آن‌ها از تغییر می‌ترسند؟ آیا نگران از دست دادن موقعیت خود هستند؟ با درک این ترس‌ها، کوچ‌ها می‌توانند به **تک تیراندازها** کمک کنند تا به جای مقاومت، به همراهان تغییر تبدیل شوند.

"فصل پنجم: نتیجه‌گیری، همکاری شوالیه و تک تیرانداز"

در پایان، این نبرد درون سازمان‌ها و درون ما، به همکاری شوالیه و تک تیرانداز ختم می‌شود. شوالیه‌ها با شجاعت و اشتیاق خود، تغییر را پیش می‌برند، در حالی که تک تیراندازها با انتقادهای خود، به بهبود ایده‌ها کمک می‌کنند. یک بیزینس کوچ موفق، کسی است که بتواند این دو شخصیت را شناسایی کند و با همراهی شوالیه‌ها، تک تیراندازها را نیز به مسیر تغییر هدایت کند.

برای موفقیت در تغییرات سازمانی، باید شوالیه‌ها و تک تیراندازها را با هم همراه کرد. این کار نیاز به راهبردهای دقیق و هوشمندانه دارد:

۱. "شناسایی جایگاه شوالیه‌ها و تک تیراندازها"

- شوالیه‌ها معمولاً در نقش‌های تصمیم‌ساز قرار دارند.
- تک تیراندازها معمولاً در نقش‌های تصمیم‌گیرنده هستند.

۲. "ارتباط با شوالیه‌ها"

- از شوالیه‌ها به عنوان حامیان تغییر استفاده کنید.
- به آن‌ها ابزار و منابع لازم برای اجرای ایده‌هایشان را بدهید.

۳. "درک ترس‌های تک تیراندازها"

- با تک تیراندازها صحبت کنید و علت مقاومت آن‌ها را درک کنید.
- با ارائه داده‌ها و تحلیل‌های دقیق، ترس‌های آن‌ها را برطرف کنید.

۴. "ایجاد اعتماد بین شوالیه‌ها و تک تیراندازها"

- جلسات مشترک بین شوالیه‌ها و تک تیراندازها ترتیب دهید.
 - از تک تیراندازها بخواهید در فرآیند تغییر مشارکت کنند.
- در درون ما نیز، شوالیه و تک تیرانداز باید با هم همکاری کنند. شوالیه‌ی درون به ما انگیزه می‌دهد تا به دنبال اهداف بزرگ برویم، در حالی که تک تیرانداز درون، با انتقادهای خود، به ما کمک می‌کند تا اهدافمان را با دقت بیشتری انتخاب کنیم. با شناخت این دو شخصیت، می‌توانیم به بهترین نسخه‌ی خود تبدیل شویم.

"تجربه پایانی"

در یک شرکت خانوادگی ، یک بیزینس کوچ با همراه کردن مدیرعامل (تک تیرانداز) و تیم بازاریابی (شوالیه‌ها)، توانست یک استراتژی دیجیتال مارکتینگ را با موفقیت اجرا کند. این تغییر نه تنها فروش شرکت را افزایش داد، بلکه فرهنگ سازمانی را نیز بهبود بخشید.

با شناخت جایگاه شوالیه‌ها و تک تیراندازها و استفاده از راهبردهای هوشمندانه، می‌توان هر سازمانی را به سمت موفقیت هدایت کرد.

"پیشنهاد نهایی"

هر سازمان و هر فردی، ترکیبی از شوالیه و تک تیرانداز است. به جای جنگیدن با تک تیرانداز درون یا در سازمان، سعی کنید با شناخت و درک آن، از انتقادهایش برای بهبود استفاده کنید. شوالیه‌ی درون خود را تقویت کنید، اما به تک تیرانداز درون نیز گوش دهید. تنها با همکاری این دو، می‌توانید به اهداف بزرگ دست یابید.

تهیه و تدوین : علی منتظرالظهور ۱۴۰۳